

متن پرسش

سلام و درود بر شما. آقای طاهر زاده عزیز و دوست داشتنی، بنده شما را از چند سال قبل می شناختم و این اواخر توجه بیشتری به شما و آثارتان داشته ام. تفکر و احساسم این است که باید چند نکته را بیان کنم. می دانید، هر چه نگاه ها به یک فرد بیشتر باشد میزان الگو پذیری (آگاهانه یا نا آگاهانه، از سر تفکر و منطق یا هیجان و عواطف) از فرد (تفکر او، شخصیت او، و یا چیزی که از فرد برای خود ساخته اند) افزایش خواهد یافت، به تبع این امر مسئولیت آن فرد سنگین تر خواهد شد، حتی برای گفتن یه کلمه، حتی برای یک اظهار نظر، حتی برای یک سلام! شما نیز، آقای طاهر زاده، در چنین وضعیتی قرار دارید (حداقل، فعلا، برای عده ای). راستش از شما انتظار نمی رود که پاسخ های پرسش های پرسش کننده را این گونه رسمی، سرد، کوتاه، گاهی کاملا بی ربط و گاهی اشتباه پاسخ گویند. خیلی مواقع خیلی حرف ها، گفته نشود، خیلی خوشایند تر است تا حرف های سرد و مرده و بی جان و تشریفاتی. یک بار از اصغر طاهر زاده بیرون بیایید و به اصغر طاهر زاده نگاه کنید، نگاهتان (حداقل در این پرسش و پاسخ ها) بیشتر نگاه عاقل اندر سفیه است تا چیز دیگر. قطعا فردی که همنشین خداست (با یاد او) در زبان نیز شیوا و گرم و خوشایند و دلچسب است. گاهی در می مانم در افراد، در می مانم در تناقضات. در مواردی پرسش ها از منظر روان شناختی ارائه شده است و جواب های شما غلط و گمراه کننده بوده است (و نیز مسایل روان شناختی در ارتباط با خانواده، ازدواج، زن و مرد و...). انتظارها از شما بیشتر بود. بسیاری نقاط مبهم نیز در بیانات شما وجود دارد که کاملا واضح است نه شما خوب درکشان کرده اید نه قابل انتقال هستند، نوعی دیدگاه افراطی به مسایل و نادیدن خیلی چیزها. برای الگو بودن باید جامع بود چون فرد الگو بردار گزینشی عمل نمی کند (خصوصا وقتی از عینک عواطف و گاهی هیجانات به الگو می نگرد). بنده را به خاطر جسارت و بی ادبی ام به محضرتان عفو کنید. امیدوارم که همه اینها خیالاتی بیش نباشد و من در اشتباه باشم.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام ضمن تشکر از توصیه هایی که فرمودید. حقیقت این است که سؤالی که از ما می شود اگر جواب آن سؤال را بدانیم باید بدهیم و این که می فرمایید چرا مختصر یا مبهم جواب می دهیم، خودتان را جای بنده قرار دهید که توان بنده همین اندازه است حال یا از جهت اطلاعات و یا از جهت فرصتی که در اختیار دارم، گمانم آن است که سؤال کننده آن چه را باید بگیرد می گیرد. در مورد این که می فرمایید بعضی جواب ها از منظر روان شناختی غلط و گمراه کننده است؛ ای کاش موارد را

می‌فرمودید تا بهتر بتوانم بر آن تأمل کنم. البته بنده جواب سؤالات را تا آنجا که بتوانم مبتنی بر مبانی دینی می‌دهم و شدیداً تلاش می‌کنم که از دستگاه روان‌شناسی فاصله بگیرم چون انسانی که روان‌شناسی می‌شناسد و برای آن دستورالعمل می‌دهد تماماً با انسانی که اسلام مدّ نظر دارد فرق می‌کند. پس اجازه دهید از این جهت نظرم با شما متفاوت باشد و باز تأکید می‌کنم در فضای آزاداندیشی بسیار مسرور می‌شوم که به جواب‌هایی که می‌دهم □ با ذکر مورد □ اشکال کنید و بنده حتماً اشکال شما را مدّ نظر قرار می‌دهم. موفق باشید